

وجه التزام در حقوق ایران؛ مبانی و نمودهای قانونی

حسین دانشفر^۱ / سهیل گلچین^۲

* نوع مقاله: پژوهشی / تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۵/۲۶ / تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۷/۱۵

چکیده

این مقاله به مطالعه درباره مفهوم وجه التزام در حقوق ایران پرداخته است. نویسندگان تلاش کرده‌اند تا از طریق مطالعه در نظریات موجود درباره مفهوم التزام و مواد قانونی و رویه‌های قضایی، نسبت این مفهوم با اختیار را از وجه ارادی بودن یا اجباری بودن پرداخت وجه التزام مورد مطالعه قرار دهند. از این جهت وجه التزام به عنوان یکی از مفاهیم مصرح ذیل حقوق تعهدات مورد مطالعه قرار گرفته است. نویسندگان تلاش کرده‌اند تا مبانی بنیادین، مواد قانونی مورد استناد قرار گرفته در زمینه وجه التزام و دلالت‌های قانونی آن را به اعتبار مفاهیمی مثل تعهد، خسارت، اختیار و التزام مورد بررسی قرار دهند. در این مطالعه تلاش شده تا ضمن در پیش گرفتن رویکردی انتقادی اشکالات موجود در این مفهوم را برجسته نموده و مورد مطالعه قرار دهند. نویسندگان برای انجام دادن این کار مجموعه‌ای از اطلاعات کتابخانه‌ای را ضمن مطالعه درباره ادبیات موضوع مورد استفاده قرار داده‌اند.

واژگان کلیدی: وجه التزام، تعهد، خسارت، قرارداد، اختیار.

^۱ کارشناسی ارشد حقوق خصوصی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد بین الملل کیش، ایران. (نویسنده مسئول)
daneshfar_h@yahoo.com

^۲ دانشجوی دکترا حقوق بین الملل عمومی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، ایران.
soheilgolchin@yahoo.com



مقدمه

وجه التزام مفهومی است که عموماً ذیل عنوان حقوق تعهدات مورد بررسی قرار می‌گیرد. حقوق تعهدات از جمله مباحث مهم حقوقی است که قواعد مربوط به آن آمیزه‌ای از قواعد اخلاق، وجدانی، شرعی و حقوقی است. تعهداتی که اشخاص به‌موجب قرارداد و بر اساس اصل حاکمیت اراده به عهده می‌گیرند از یک طرف به‌موجب قواعد اخلاقی و شرعی (اوقوا بالعقود و المومنون عندالشروطهم) ملزم به رعایت آن‌ها هستند و تخطی از تعهدات مزبور از یک طرف به لحاظ اخلاقی امری زشت و قبیح شمرده می‌شود و از طرف دیگر اصول قانونی و حقوقی چون «اصل لزوم» نیز طرفین را مکلف می‌نماید که به تعهدات قراردادی بدان‌صورت که توافق شده عمل نمایند و عدم انجام تعهدات موجب مسئولیت متعهد و جبران خسارات وارده می‌باشد. (شهیدی، ۱۳۸۶، ص ۲۶) از آنجایی که امروزه تعداد کثیری از پرونده‌های موجود در دستگاه قضائی را اختلافات ناشی از عهدشکنی و مسایل مختلف مربوط به آن تشکیل می‌دهد، بحث درباره حقوق تعهدات بحثی زنده و حائز اهمیت به حساب می‌آید. در عین حال اهمیت این مسأله در دکتترین حقوقی به اندازه‌ای است که قسمت مهمی از آثار و تألیفات اندیشمندان و صاحب‌نظران حقوقی به مبحث مربوط به حقوق تعهدات اختصاص یافته است. به همین اعتبار است که می‌توانیم ادعا کنیم پایه‌های حقوق بر این مبحث بنیان نهاده شده و احاطه‌ی بر مسایل مهم حقوقی مستلزم شناخت قواعد و مقررات مربوط به آن است. نهاد حقوقی «وجه التزام» که از جمله مهم‌ترین مباحث مربوط به حقوق تعهدات است با وجود کاربرد مؤثر و فراوان آن چه در قراردادهای داخلی و چه در قراردادهای بین‌المللی از جمله موضوعاتی است که هم در قانون مدنی و هم در آثار صاحب‌نظران حقوقی مسایل مربوط به آن به اجمال و اختصار بیان گردیده است. (نگاه کنید به، N. Hatzis, 2003) ما در این مقاله به مطالعه درباره مبانی آثار عملی مفهوم وجه التزام در قانون و رویه‌های قضایی در حقوق ایران می‌پردازیم.

۱- انواع وجه التزام و کاربرد آن

وجه التزام را به اعتبار مبنای آن بر حسب اینکه مبنای آن حکم مراجع ذیصلاح قانونی (محاکم دادگستری) باشد یا قرارداد طرفین، می‌توان به دو نوع تقسیم کرد: ۱- وجه التزام قضایی؛ ۲- وجه التزام قراردادی. (نگاه کنید به (Graw, 2021) در تعریف وجه التزام قضائی اینطور می‌توان گفت که: «عبارتست از حکم دادگاه و مراجع قضایی بر شخص مدیون در قبال تأخیری که در انجام تعهد خود می‌کند که به نسبت واحد زمانی تعیین شده باید خسارت مشخص شده در حکم را به شخص



متعهدله پرداخت کند». از مفهوم همچنین به عنوان «گرامت قضائی» نیز تعبیر می‌شود. (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۰، ص ۲۸۸) ماده ۷۲۹ ق.آ.د.م در این باره اینطور مقرر می‌دارد که: «در مواردی که موضوع تعهد عملی است که انجام آن جز به وسیله شخص متعهد ممکن نیست دادگاه می‌تواند به درخواست متعهدله در حکم راجع به اصل دعوی یا پس از صدور حکم، مدت و مبلغی را معین نماید که اگر محکوم علیه مدلول حکم قطعی را در آن مدت اجرا نکند مبلغ مزبور را برای هر روز تأخیر به محکومله بپردازد». ماده فوق بیانگر نوعی وجه التزام است که توسط قاضی و به موجب حکم دادگاه تعیین می‌شود. بنابراین در وجه التزامی که دادگاه معین می‌نماید اصل تعهد باید انجام شود. در نهایت برای وادار کردن متعهد (محکوم علیه) به آنچه که مورد حکم است، دادرسی بسته به وضعیت محکوم علیه، موضوع حکم و زیانی که ممکن است از تأخیر در اجرای آن صورت گیرد، مبلغی را برای هر روز تأخیر معین می‌نماید و لذا اگر عین تعهد (محکوم به) توسط متعهد به اجراء درآید مبلغ وجه التزام مورد حکم نیز قطع می‌شود. مبنای وجه التزام قراردادی، توافق اراده و قرارداد طرفین است. به موجب ماده ۱۰ ق.م و اصل حاکمیت اراده و آزادی قراردادی، دو طرف می‌توانند هر قراردادی که مخالف صریح قانون نباشد در روابط خصوصی فیما بین یکدیگر منعقد سازند تا آنجایی که می‌توان گفت قرارداد قانون دو طرف است. بنابراین توافق بر وجه التزام نیز از جمله این قراردادهاست. همانطور که از فحوای آنچه آوردیم معلوم می‌شود، منشاء این قسم از وجه التزام قرارداد است؛ لذا برخلاف وجه التزام قضائی غالباً به صورت شرط ضمن عقد اصلی و یا در الحاقیه‌های مربوط به قرارداد گنجانده می‌شود. نباید از نظر دور داشت که در هر صورت باید قبل از بروز تخلف از ناحیه متعهد متخلف بر آن توافق شده باشد (مواد ۲۳۰ ق، و ماده ۳۴ ق.ت. بیانگر این قسم از وجه التزام می‌باشد). وجه التزام قراردادی سازشی است که برای رفع اختلاف آینده صورت می‌گیرد. این قسم از وجه التزام ویژه قراردادهاست. همان‌طور که قبلاً متذکر گردید در مسئولیت‌های غیر قراردادی نیز اگرچه در موارد تا ممکن است شروطی مانند این نیز مشاهده می‌گردد، نمی‌توان این شروط را ذیل عنوان وجه التزام قرار داد. در عین حال باید این مسئله را نیز اضافه کنیم که همان دو اراده‌ای که موجب چنین تاسیس حقوقی (وجه التزام قراردادی) هستند در عین حال می‌تواند آنرا اقاله کرده و از بین ببرند. لذا شرط وجه التزام همانند سایر قراردادها قانون حاکم بر مسئولیت قراردادی است. در چنین مواردی دادرسی باید با تفسیر شرط در چارچوب قرارداد اراده مشترک طرفین را درباره آنان اجراء کند. (برای مطالعه درباره روند تاریخی شکل گیری مفهوم وجه التزام نگاه کنید به (miller,2004) همانطور که از مباحثی که تا اینجا آوردیم مشخص است، وجه التزام قراردادی و قضائی تفاوت‌های بنیادینی با یکدیگر دارند که باید پیش از



ادامه دادن این مقاله به مسائل مربوط به آن پرداخته شود. این تفاوت‌ها را به صورت زیر می‌توانیم دسته بندی بکنیم:

الف - شرط وجه التزام قراردادی زمانی تحقق و وجود پیدا می‌کند که طرفین قرارداد صریحاً چنین شرطی را در قرارداد بگنجانند و یا به‌طور مستقل در الحاقیه‌های مربوط به قرارداد بر آن توافق کنند در صورتی که وجه التزام قضائی بدون اینکه در قرارداد تصریح شود وجود خارجی پیدا می‌کند به عبارت دیگر مبنای وجه التزام قراردادی، توافق طرفین قرارداد است در صورتی که وجه التزام قضائی توسط دادرس دادگاه و به درخواست متعهدله در ضمن حکم راجع به اصل دعوی یا پس از آن در مرحله صدور اجرائیه تعیین می‌شود و اراده محکوم علیه (متعهد) هیچ دخالتی در تعیین آن ندارد (ماده ۷۲۹ ق.آ.د.م).

ب - وجه التزام قراردادی مبلغ مقطوع خسارت احتمالی آینده است و لذا به جهت ماهیت قراردادی آن مطابق با ماده ۲۳۰ ق.م ایران دادرس هیچ‌گونه دخل و تصرف و تعدیلی را نمی‌تواند در آن انجام دهد در صورتی که وجه التزام قضایی را حاکم با توجه به ماده ۷۳۰ ق.آ.د.م می‌تواند تغییر دهد و مبلغ تعیین شده در هر حال قابل تجدیدنظر است.

پ- وجه التزام قراردادی راجع به تخلف از تعهدات به معنای عام آنست یعنی اعم از اینکه موضوع تعهد انجام عمل یا نوك عمل و یا تأخیر در اجراء و ... باشد در حالی که وجه التزام قضایی فقط در خصوص تعهداتی است که موضوع تعهد عملی است که انجام آن جزء به‌وسیله شخص متعهد ممکن نیست و مبلغ مندرج در آن صرفاً در مقابل تأخیر در انجام تعهد از جانب محکوم‌علیه تعیین می‌شود.

با توجه به مطالب فوق باید خاطر نشان نمود که آنچه موضوع این پژوهش را تشکیل می‌دهد و ما در صدد توجیه و تبیین ماهیت حقوقی آن هستیم «وجه التزام قراردادی» می‌باشد.

۲- فلسفه وجه التزام

برای شناخت بیشتر شرط وجه التزام و تعیین و تشخیص ماهیت آن باید فلسفه این نهاد را مورد بررسی قرار داد. نویسندگان قانون مدنی در تدوین قواعد و مقررات با مدنظر قرار دادن احکام فقهی غالب مقررات را از حقوق اروپایی مثل فرانسه اقتباس کردند با وجود این در اصلاحات بعدی خصوصاً اصلاحات سال ۶۱ به بعد تطبیق بیشتر مواد قانونی با مقررات فقهی مورد توجه بوده و لذا



پاره‌ای از مواد مغایر با شرع اصلاح و یا نسخ گردیده است. اما باید تصریح کرد که در تدوین مواد قانونی در مبحث مربوط به خسارات حاصله از عدم انجام تعهد نگرش قانونگذار به حقوق اروپایی از جمله فرانسه بوده اما ابتدائاً لازم است این تأسیس حقوقی را در فقه مورد بررسی قرار دهیم. در اینکه آیا وجه التزام کیفر تخلف از انجام تعهد و نوعی مجازات مدنی است که برای متخلف در نظر گرفته شده، یا این مبلغ (وجه التزام)، برای جبران خساراتی است که از نقض تعهد به متعهدله وارد میشود، جای بحث و تامل است. در حال حاضر در حقوق ایران علمای حقوق ماهیت وجه التزام را خسارت میدانند، خسارتی که به توافق طرفین قبلاً معین شده است و آن را نوعی خسارت عدم انجام تعهد میدانند که دو طرف درباره میزان آن توافق کرده اند. ماده ۲۳۰ ق.م ایران موید این معناست. در حقوق ایران از ماده ۲۳۰ قانون مدنی چنین امری استنباط نمی‌شود و به هر میزانی که مقرر شده باشد با توجه به اصل حاکمیت اراده طرفین و با توجه به تبصره ماده ۵۱۵ قانون آیین دادرسی مدنی فیما بین طرفین نافذ خواهد بود. خسارات حاصله از عدم اجرای تعهدات، اساساً مسوولیت قراردادی اشخاص در قراردادها که معمولاً در اجرای ماده ۱۰ قانون مدنی فیما بین طرفین مقرر میشود با توجه به اصل حاکمیت اراده طرفین فیما بین اصحاب قرارداد نافذ است. در خصوص خسارت حاصله از عدم اجرای تعهدات در مواد ۲۲۶ به بعد ق.م و قوانین دیگر همچون آیین دادرسی مدنی پیش بینی شده و در بعضی مواقع هم قانونگذار خسارت ناشی از تاخیر در انجام تعهد را بدون حاکمیت اراده طرفین راساً انتخاب میکند. بدین منظور این بخش را در سه قسمت مطرح میکنیم.

الف) تعیین خسارت به وسیله قانون

علاوه بر مواردی که در صدر مطلب از قانون مدنی که براساس حاکمیت اراده طرفین مسوولیت قراردادی را معین میکند موارد دیگری نیز وجود دارد که به وسیله قانون خسارت ناشی از عدم اجرای تعهد یا تاخیر در انجام تعهد تعیین میشود. ماده ۷۱۹ قانون آیین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۱۸ نسبت به میزان خسارت تاخیر تادیه و وجه التزام حداکثر خسارت تاخیر تادیه و وجه التزام را ۱۲٪ در سال اعلام کرده بود که طرفین اگر زائد بر آن توافق میکردند در واقع خلاف قسمت اخیر ماده ۱۰ قانون مدنی محسوب میشده و نافذ نبوده است. اختیار حاکمیت اراده در اینجا محدود شده شاید این امر از جهت نظم عمومی اقتصادی بوده است. در حال حاضر ماده ۵۲۲ قانون آیین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۷۹ در خصوص خسارت تاخیر تادیه در صورت عدم وجود قرارداد فیما بین طرفین در اجرای تبصره ماده ۵۱۵ همان قانون فقط شاخص بانک مرکزی را معتبر میداند.



ب) تعیین خسارت توسط دادگاه

میزان خسارت، با رسیدگی قضایی توسط دادگاه تعیین میشود. در این گونه موارد، متعهدله باید ثابت کند که از عدم انجام تعهد یا تاخیر در اجرای آن، به او خسارت وارد شده است. مقدار و میزان این خسارت را با دلایل اثباتی، از جمله جلب نظر کارشناس معین کند. (نگاه کنید به Halson, 2018) در اینکه آیا متعهدله برای مطالبه خسارت، باید تقصیر متعهد و تخلف او از قرارداد را هم ثابت کند یا اینکه متعهد باید اجرای آن را اثبات کند تا از پرداخت خسارت معاف شود، باید به نوع تعهد توجه کرد. اگر تعهد از نوع تعهدات به نتیجه باشد، همینکه نتیجه کار حاصل شد، متعهد مسوول پرداخت خسارت است، مگر اینکه ثابت کند حادثه خارجی که نمیتوان به او مربوط کرد، مانع اجرای تعهد شده است (مواد و ۲۲۹ ق.م). ولی اگر تعهد از تعهدات به وسیله باشد، اثبات تقصیر متعهد به عهده زیان دیده است.

ج) تعیین خسارت توسط طرفین

این توافق چنانچه بعد از وقوع خسارت باشد به عنوان صلح در اجرای ماده ۷۵۲ ق.م که اعلام میدارد: «صلح ممکن است یا در مورد رفع تنازع موجود و یا جلوگیری از تنازع احتمالی یا در مورد معامله و غیر آن واقع شود.» محسوب خواهد شد. اما چنانچه قبل از وقوع خسارت و در اجرای ماده ۱۰ همان قانون باشد همانطوری که در تعریف وجه التزام بیان شد به عنوان وجه التزام محسوب خواهد شد. نظرات مطروح شده در این زمینه را می توان به صورت زیر مورد بررسی قرار داد.

الف) دیدگاه ها و نظرات موجود در فقه:

در فقه گفته اند که وجه التزام از سنخ ضمانات است، و مسایل ضمانات حکم است (قانون امری است) نه حق، لذا اراده افراد درباره وجه التزام بی اثر است. به نظر جعفری لنگرودی صغری و کبری در این استدلال محل منع است. صاحب جواهر گفته اند که اخذ وجه التزام اکل مال به باطل است. اما روایاتی وجود دارد که دلالت بر صحت وجه التزام دارد:

یک: دو روایت صحیح از معاویه بن وهب در باب مکاتبه که اگر عبد تاخیر در پرداخت اقساط بدهی کند به رقیب باز میگردد و اقساطی که داده است به عنوان وجه التزام از آن مالک او میگردد. (جواهر جلد ۵)



دو: حدیث محمدالحلبی: قال كنت قاعد اعند قاض من القضاء و عنده ابوجعفر(ع) جالش، فاتاه رجلا، فقال احد هما:

انى تكاريت ابل هذا الرجل ليحمل لى متاعاً الى بعض المعادن، فاشترطت عليه ان يدخلنى المعدن يوم كذا و كذا لانها سوق اتخوف ان تفوتنى، فان احتسبت عن ذلك حططت من الكرى لكل يوم احتبسته كذا و كذا، و آته حبسنى عن ذلك الوقت كذا و كذا يوماً. فقال القاضى: هذا شرط فاسد، وقه كراه. فلما قام الرجل، اقبل الى ابوجعفر(ع) فقال هذا شرط جائز مالم يحط بجميع كراه. (جواهر جلد ۴)

روایت مذکور که راوی آن از راویان معتبر است نشان میدهد که امام(ع) وجه التزام را تا زمانی که میزان وجه التزام به میزان کل کرایه نباشد یا بیشتر از آن نباشد فی مابین طرفین نافذ میدانند. یعنی مثلاً اگر در مبیعه نامهای قید شود که چنانچه فروشنده در مهلت معین شده در دفترخانه معینه جهت تنظیم سند رسمی حاضر نشود فلان مبلغ باید به عنوان وجه التزام پرداخت این مبلغ نباید به میزان ثمن معامله یا بیشتر از آن باشد چرا که در آن صورت خریدار در واقع بدون پرداخت ثمنی مالک مبیع میشود از این جهت است که میزان وجه التزام را محدود میکنند.

سه: خبر محمدبن مسلم عن احد هما(ع) فى الرجل و يقول لعبدہ اعتقک على ان ازوجک ابنتی؛ فان تزوجت او تسریت علیها فعلیک ماه دینار؛ فاعتقه على ذلك و تسرى او تزوج. قال(ع) علیه شرطه (جواهر، جلد ۵)

(ب) نظرات علمای حقوق:

علمای حقوق وجه التزام در عقود و قراردادها را مورد پذیرش قرار دادهاند. النهایه آنچه که مورد مناقشه است این که آیا وجه التزام مقرر شده در هر حال قابل مطالبه است یا فقط در بعضی مواقع قابل مطالبه است به عبارت دیگر آیا فقط خسارت تاخیر تادیه قابل مطالبه است یا خسارت ناشی از عدم انجام تعهد نیز قابل مطالبه می باشد. کاتوزیان در این زمینه اینطور آورده است که، در موارد ۷۲۷ و ۷۲۸ ق. آ.د.م. مصوب ۱۳۱۸ (که در حال حاضر ماده ۵۱۵ قانون آیین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۷۹ در این زمینه وجود دارد) خسارت ناشی از عدم انجام تعهد در برابر خسارت ناشی از تاخیر در انجام تعهد نهاده شده است. منبع این دو خسارت یکی است: هر دو ناشی از عهد شکنی است با این تفاوت که در یکی انجام تعهد به طور قاطع منتفی شده و در دیگری به هنگام انجام



نشده و بخشی از مطلوب از دست رفته است. هر دو خسارت نیز قابل مطالبه است و امتیازی بر یکدیگر ندارد. با وجود این تقسیم بیفایده نیست و هر کدام احکام و شرایط ویژه برای مطالبه دارد:

۱ - مطالبه خسارت عدم انجام تعهد هیچ گاه با درخواست اجرای آن جمع نمی شود:

این مطلب به این معناست که طلبکار نمیتواند هم اجبار مدیون به وفای عهد و هم خسارت عدم انجام تعهد را بخواهد. حق بر مطالبه خسارت زمانی آغاز میشود که فرصت انجام تعهد پایان یافته است. منسحاق، از دست رفتن عوض قراردادی است و مسوولیت مدیون نیز از همین حرمان مایه میگردد، پس طبیعی است که طلبکار نتواند هم اصل دین را بخواهد هم بدل آن را.

خسارتی که گاه از عدم اجرای تعهدهای فرعی ناشی میشود و با تعهد اصلی مورد مطالبه قرار میگردد، اصل «جمع نشدن خسارت و انجام تعهد» را نقض نمیکند. زیرا، در یک قرارداد مدیون چند تعهد دارد؛ برای تعهدی که از دسته رفته خسارت میپردازد و تعهدی را که باقی است اجراء میکند؛ و در نتیجه، اجرای هیچ تعهدی با خسارت عدم انجام همان تعهد جمع نمیشود. برای مثال، فروشنده اتومبیل متعهد است که آن را به خریدار تسلیم کند. ولی در کنار این تعهد اصلی، ضمان عیب حادث در آن را نیز به عهده دارد. پس، اگر یکی از لاستیکهای آن بترکد، خریدار میتواند الزام به تسلیم بیع و «ارش» را با هم از فروشنده بخواهد (ماده ۴۲۵ ق. م) این خواسته، به ظاهر جمع خسارت و اجرای اصل تعهد است، لیکن در تحلیل نهایی دو تعهد جداگانه است که هر کدام حکم ویژه خود را دارد. درخواست خسارت تاخیر تادیه با درخواست اجرای اصل تعهد منافات ندارد، زیرا مبنای آن از دست رفتن مطلوب دیگری است که با اجرای تعهد نیز به دست نیآید و با اشکال جمع اصل و بدل روبه رو نمیشود: مالک، تخلیه مورد اجاره و اجرت المثل منافع تفویض شده را مطالبه میکنند. هم چنین در مواردی که اجرای تعهد، پس از مدتها تاخیر و ورود ضرر از این بابت، سر انجام بدون اجرا میماند، خسارت تاخیر و عدم انجام تعهد با هم جمع میشود، چرا که هر کدام سبب ویژه خود را دارد. بدین ترتیب اگر مالکی تعهد فروش زمین خود را بکند و در قولنامه شرط شود که، در صورت عدم انجام تعهد، مبلغی به عنوان وجه التزام بپردازد، طرف قرارداد نمیتواند الزام او به انتقال زمین و تادیه وجه التزام را با هم بخواهد، مگر این که جزای شرط برای تخلف از موعد مقرر باشد نه انجام اصل تعهد، ولی اگر در همین قولنامه درج شود که فروشنده برای هر روز تاخیر مبلغ ده هزار ریال بدهد، مطالبه این خسارت منافاتی با درخواست الزام او بر انتقال زمین ندارد.

۲ - خسارت عدم انجام تعهد را در صورتی میتوان مطالبه کرد که اصل تعهد به دلیلی قابل اجرا نباشد. طلبکار نمیتواند، در حالی که اصل تعهد را میتوان اجرا کرد، از بدهکار خسارت بگیرد. از نظر



اصول در مرحله نخست باید اجرای تعهد قراردادی را مقدم داشت و آن گاه که این اقدام منتج به نتیجه نگردد به خسارت روی آورد. برای مثال، اگر فروشنده‌ای که ملتزم به تسلیم ده تن سیمان است آن را انجام ندهد، خریدار نمیتواند، پیش از مطالبه اصل تعهد یا اثبات عدم امکان آن، بهای سیمان را از او بخواهد.

اختیاری که در پاره‌های از قولنامه‌ها به طور ضمنی به خریدار داده میشود که یا الزام مالک به انتقال ملک را از دادگاه بخواهد، یا با استرداد بیعانه از او وجه التزام بگیرد، قاعده عمومی اجرای قرارداد نیست در واقع به خریدار حق داده میشود که قرارداد را فسخ کند و خسارت بگیرد یا اجرای آن را بخواهد: یعنی تا تعهد به انتقال باقی است خواستن خسارت عدم انجام آن امکان ندارد و طلبکار اختیار فسخ یا بقای قرارداد را پیدا میکند. خسارت تاخیر را در جایی میتوان مطالبه کرد که اصل تعهد باقی و قابل اجراء باشد، برای مثال اگر ثابت شود که مال مورد امانت در نتیجه تفریط امین تلف شده است، از لحظه تلف، مالک حق پیدا میکند که مثل یا قیمت آن را بگیرد و نمیتواند در دادخواست خود تا تاریخ صدور حکم و اجرای آن خسارت تاخیر در انجام تعهد را بخواهد. تعهد با تلف موضوع آن از بین میرود و از جهت تاخیر در اجرای آن نمیتوان خسارت گرفت. جعفری لنگرودی در این زمینه اینطور آورده‌اند که: وجه التزام گاه به صورت شرط تهدید کننده است که به موجب آن مشروطه له طرف خود را ملزم میکند که در صورت عدم اجرای تعهد اصلی باید مبلغی بدهد. اگر وجه التزام برای تاخیر اجرای تعهد باشد متعهدله حق دارد هم وجه التزام را بخواهد و هم اجرای تعهد اصلی را؛ در این فرض حالت تعدد مطلوب هست اما اگر وجه التزام برای تخلف از اجرای تعهد باشد فقط میتواند وجه التزام را بخواهد و نمیتواند تعهد اصلی را هم بخواهد، یعنی اگر بخواهد میتواند از وجه التزام چشم ببوشد و فقط تعهد اصلی را بخواهد، و یا میتواند وجه التزام را بخواهد و بس. در این فرض، حالت وحدت مطلوب است و در حقوق فرانسه نیز چنین است. نکته‌ای که باید افزود این است که معنی تعیین وجه التزام این نیست که متعهد مخیر بین اجرای تعهد اصلی یا دادن وجه التزام باشد، مطلقاً تخییری بر او نیست. حقوقدانان مابین این که خسارت یا وجه التزام مربوط به تاخیر در اجرای تعهد باشد و یا مربوط به اجرای تعهد اصلی باشد، از جهت قابل مطالبه بودن قابل به تفکیک شده‌اند که در اولی هم وجه التزام و هم تعهد اصلی را قابل مطالبه و قابل جمع دانسته ولی در دومی فقط یکی از آنها را قابل مطالبه دانسته‌اند. با امکان اجرای تعهد اصلی امکان مطالبه وجه التزام را منتفی می‌دانند. عده‌ای دیگر از حقوقدانان مطلب را به طور مطلق بیان کرده‌اند و تفکیک مزبور را قابل نشده‌اند و وجه التزام را قابل مطالبه میدانند. حسن امامی در این زمینه اینطور آورده است: در صورتی که جبران خسارت در عقد تصریح شده باشد.



تصریح به مسوولیت متعهد جبران خسارت در صورت تاخیر یا عدم انجام تعهد در عقد، آن را جزء تعهد قرار میدهد و طبق ماده ۲۱۹ قانون مدنی عقودى که بر طبق قانون واقع شده باشد بین متعاملین و قایم مقام آنها لازم الاتباع است. ممکن است طرفین در عقد مقرر دارند که در صورت تخلف یا تاخیر، خسارت را متخلف بپردازد و یا کسی را مانند داور معین کنند که خسارت را تقویم کند و ممکن است خسارت به صورت وجه التزام در ضمن عقد معین گردد، چنان که گفته شود که هر گاه متعهد در موعد مقرر تعهد خود را ایفا نکرد مبلغ یک صد هزار ریال به متعهد له بپردازد. این تعهد الزامآور میباشد اگرچه وجه التزام مقرر چندین برابر خسارت واقعی و یا چندین برابر اصل مورد تعهد باشد. این است که ماده ۲۳۰ ق. م میگوید «اگر ضمن معامله شرط شده باشد که در صورت تخلف، متخلف مبلغی به عنوان خسارت تادیه نماید حاکم نمیتواند او را به بیشتر (در صورتی که خسارت واقعی بیشتر باشد) یا کمتر از آن چه که ملزم شده است، (در صورتی که خسارت واقعی کمتر باشد) محکوم کند». هم چنان که طرفین میتوانند در عقد، خسارت را به صورت وجه التزام پیشبینی کنند، میتوانند رفع مسوولیت از خسارت وارده را نیز در صورت تخلف از متعهد درج کنند، زیرا خسارت حقی است مالی و صاحب حق میتواند از آن صرف نظر کند. سید حسین صفایی نیز در این باره اینطور آورده است که: هرگاه طرفین عقد توافق کرده باشند که متعهد، در صورت عدم اجرای تعهد یا تاخیر، مبلغ معینی بپردازد. اثبات ضرر در این صورت لازم نخواهد بود و متعهد له در صورت تخلف متعهد میتواند تادیه مبلغ مزبور را که وجه التزام نامیده میشود از او بخواهد، اگرچه هیچ ضرری به وی نرسیده باشد (ماده ۲۳۰ ق. م). اصل حاکمیت اراده اقتضا میکند که توافق طرفین در تعیین مبلغ خسارت معتبر و الزامآور باشد. تعیین وجه التزام نه فقط برای عدم اجرای تعهد، بلکه برای تاخیر در انجام تعهد نیز صحیح و معتبر است. (نگاه کنید به صفایی، ۱۳۷۵)

۳- وجه التزام در رویه قضایی

رویه قضایی در برخورد با قابل مطالبه بودن وجه التزام همراه با اصل تعهد بی تاثیر از نظریات ابراز شده توسط حقوقدانان نبوده است. اساساً قضاات از محاکم بدوی تا عالی چندان راغب به صدور حکم بر وجه التزام همراه با اصل تعهد نمیباشند. بعضی از قضاات محترم علیرغم وجود ماده ۵۱۵ قانون آیین دادرسی مدنی و نظر حقوقدانان حتی نسبت به صدور حکم خسارت تاخیر تادیه اکراه دارند که به عنوان ضمیمه‌های بر این نوشته آورده شده است. قاضی محترم در صدور اجراییه علیرغم وجود حکم در خصوص خسارت تاخیر تادیه نسبت به آن قسمت از حکم که مربوط به خسارت تاخیر تادیه است آن را قابل اجراء نمیداند به طریق اولی در خصوص وجه التزام آن را قابل صدور



حکم نمی دانند اما با این حال نظرات اقلی وجود دارد که وجه التزام را قابل مطالبه دانسته و خسارت تاخیر تادیه را نیز قابل مطالبه میدانند. قصد داشتم آراء متعددی را در تحقیق بیابم اما به لحاظ جلوگیری از اطاله کلام به چند نمونه از آراء و هم چنین به دو مورد از آراء اصراری اشاره خواهد شد. در رویه قضایی دو نظریه عمده وجود دارد نظر اکثریت (غالب) این است که وجه التزام فقط برای تحکیم قراردادی از جهت قابل اجراء بودن اصل تعهد میباشد و لذا در صورتی که امکان اجرای اصل تعهد باشد نوبت به مورد مطالبه تضمین آن یعنی وجه التزام نمیرسد ولی در صورت تعذر اجرای اصل تعهد میتوان نسبت به مطالبه وجه التزام اقدام کرد. نظر اقلیت این است که با توجه به اصل حاکمیت اراده طرفین و این که چنانچه متعهد مرتکب تخلف شود بر متعهدله این حق ایجاد شده است که بتواند مستحق مطالبه وجه التزام علاوه بر تعهد اصلی شود. در حال حاضر با توجه به تبصره ماده ۵۱۵ قانون آیین دادرسی مدنی هم وجه التزام و هم اصل تعهد قابل اجراء است. در خصوص خسارت تاخیر تادیه نیز اکثریت قضات با توجه به قانون مرقوم قابل مطالبه می دانند. از عمده آثاری که برای وجه التزام بر شمرده اند می توان به این مسئله مهم اشاره کرد که نفس وجود وجه التزام، طلبکار را از اثبات ورود خسارت و دادرسی مربوط به تعیین میزان آن بی نیاز می کند؛ چرا که در اینجا اینطور فرض می شود که خسارتی وارد آمده و میزان آن همان است که مقرر شده است. یکی از مهم ترین آثاری که وجه التزام می توند داشته باشد پیش بینی آن در قراردادهای جائز است که اگر هر کدام از طرفین فسخ کردند فلان مبلغ به عنوان وجه التزام به طرف مقابل بپردازد. این امر علاوه بر تعیین خسارت به صورت مقطوع به نوعی موجب پایداری قرار داد مذکور خواهد شد. برخی از محدودیت های عقود مثل عقد اجاره را ندارد چون در عقد اجاره تعیین عمل و معلوم به علم تفصیلی بودن آن لازم است.

۴- ماهیت حقوقی وجه التزام در ایران

اکنون پس از بیان مفهوم شرط وجه التزام و سابقه های تاریخی و قلمرو کاربردی آن در حقوق ایران و دیگر نظام های حقوقی باید به تشریح و تبیین ماهیت حقوقی خاص این تأسیس حقوقی پرداخت تا بتوان جایگاه آن را در حقوق تعهدات مشخص نمود و آن را از پاره های از نهادهای مشابه که در مباحث آینده راجع به آن بحث خواهیم نمود متمایز کرد. در خصوص ماهیت شرط وجه التزام ممکن است پرسش های مختلفی به ذهن خطور کند از جمله اینکه: آیا وجود شرط وجه التزام در قرارداد متضمن نوعی شرط خیار در عقد است؟ از طرف دیگر شرط مزبور جریمه عدم انجام تعهد است و جنبه ی کیفی دارد و به عبارت دیگر مبلغ التزام تضمین کننده ی اجرای تعهد است و طرفین با توافق بر آن اراده ی قاطع خود را مبنی بر اجرای قطعی تعهدات قراردادی اعلام می کنند؟



نهایتاً اینکه آیا شرط وجه التزام خسارت عدم انجام تعهد است که متعاملین با پیش‌بینی خسارات آینده مبلغ آن را در قرارداد می‌گنجانند؟ از آنجایی که وجه التزام غالباً به صورت شرط در ضمن عقد تعیین می‌شود لذا بنا بر وجه غالب آن باید گفت شرط وجه التزام دارای ماهیتی تبعی و فرعی است و به عبارتی از نظر ضحّت و بطلان و لزوم و جواز تابع عقد اصلی است. این بدین معناست که وجه التزام مبیّن وجود خیار شرط است. هنگامی که متعاملین در شکل قرارداد مبلغی را به‌عنوان وجه التزام در قبال عدم انجام تعهد تعیین می‌کنند اولین نکته‌ای که به ذهن می‌رسد اینست که متعهد مخیر است از میان انجام تعهد یا عدم اجرای آن و در نتیجه پرداخت وجه التزام یکی را به اختیار برگزیند و متعهدله نیز می‌تواند از انجام اصل تعهد و یا دریافت وجه التزام یکی را انتخاب کند. البته باید متذکر شد که چنین تصویری در صورتی مطرح می‌شود که شرط وجه التزام در مقابل خسارات ناشی از عدم انجام تعهد به معنی خاص در قرارداد، گنجانده شود چرا که اگر وجه مزبور در مقابل خسارات ناشی از تأخیر در اجراء تعهد باشد به اتفاق، تمام حقوقیین معتقدند که هر دو تعهد جمع می‌شود بنابراین پرداخت وجه التزام جایگزین اصل تعهد نمی‌شود و متعهدله می‌تواند هم اجرای اصل تعهد را بخواهد و هم خسارت تأخیر در اجرای آن را (وجه التزام). در این زمینه ماده ۳۹ آیین‌نامه اجرای اسناد رسمی لازم‌الاجراء و طرز رسیدگی به شکایت از عملیات اجرایی مصوب ۱۳۵۵ مقرر می‌دارد: «هرگاه در سند برای تأخیر انجام تعهد وجه التزام معین شده باشد مطالبه وجه التزام مانع مطالبه اجرای تعهد نمی‌باشد ولی اگر وجه التزام برای عدم انجام تعهد مقرر شده باشد متعهدله فقط می‌تواند یکی از آن دو را مطالبه نماید». بنابراین طلبکار نمی‌تواند مادامی که متعهد در حال انجام دادن تعهد است او را مجبور به پرداخت وجه التزام کند ولی هنگامی که متعهد از اجرای تعهد امتناع می‌ورزد متعهدله می‌تواند با جمع تمام شرایط مربوط به مطالبه وجه التزام از آن صرف‌نظر کرده و همچنان اجبار متعهد به انجام اصل تعهد را بخواهد. در تفسیر موضوع اختلاف نظر بین محاکم و نظریه پردازان حقوقی دیده می‌شود، عده‌ای معتقدند که وقتی وجه التزام برای عدم انجام تعهد تعیین شده باشد در صورت تخلف متعهد، تعهد اصلی از بین می‌رود و لذا متعهدله فقط می‌تواند وجه التزام را مطالبه نماید. ایشان در توجیه نظر خود استدلال می‌کنند طرفین خود چنین خواسته‌اند و نباید غیر از آنچه که اراده کرده‌اند چیزی به آنان تحمیل کرد و لذا الزام به انجام تعهد را نمی‌توان از متعهد درخواست کرد، در مقابل عده‌ی دیگر اعتقادشان بر این است که در برخورد تعهد اصلی و بدل انجام تعهد (وجه التزام) تا جایی که ممکن است باید اصل تعهد اجراء و انجام شود و تنها در صورتی که امکان اجبار متعهد به انجام تعهد مقدور نباشد خسارت جایگزین آن می‌گردد، مگر اینکه عدم انجام تعهد مستند به یک حادثه خارجی بوده که



دفع آن خارجی از حیطه‌ی اقتدار متعهد باشد که در این صورت متعهد از پرداخت خسارت (وجه التزام) معاف می‌گردد. (میر شفیعیان، ۱۳۷۵، ص ۱۱۵ به بعد) و (متین دفتری، ۱۳۹۷، ص ۳۸۹)

نظریه اول را بنا به دلایلی نمی‌توان پذیرفت و برای ردّ نظر آنان می‌توان از دلیل ارائه شده توسط خود آنان استفاده کرد چرا که اراده‌ی واقعی طرفین در حین انعقاد قرارداد، بر انجام این تعهد واقع شده و فقط در صورتی که نتوان متعهد را به انجام تعهد اصلی وادار ساخت می‌توان خسارت مورد توافق را مطالبه کرد. به هر حال در صورت استنکاف، محکمه او را وادار به انجام تعهد خواهد کرد چنانکه در رأی شماره ۶۷/۸/۸-۲۴۳/۲۴۴ شعبه ۲۷ دادگاه حقوقی یک تهران آمده است:

«تعیین وجه التزام عدم انجام تعهد به معنای تخییر فروشنده در انجام یا عدم انجام اصل تعهد نمی‌باشد بلکه به معنای بدل انجام تعهد و شرطی به نفع متعهدله است تا در صورتی که انجام تعهد اصلی مقدور نباشد از این حق و شرط استفاده نماید ولی در حالتی که انجام تعهد اصلی امکان‌پذیر بوده متعهدله درخواست اجرای اصل تعهد را داشته باشد و متعهد از اجرای آن خودداری ورزد درخواست الزام متعهد به انجام تعهد اصلی به مستفاد از مواد ۲۱۹ و ۲۳۰ ق.م. دارای مجوز قانونی و حق متعهدله می‌باشد. (لطفیان، ۱۳۷۵، ۱۱۴)

با عنایت به همه اینها می‌توان اینطور گفت که وجود شرط وجه التزام در قرارداد مانعی برای متعهدله در درخواست اجرای تعهد اصلی ایجاد نمی‌کند. با این وجود نباید چنین تصور کرد که متعهد دارای این اختیار هست که یا تعهد اصلی را اجراء کند و یا وجه التزام مورد توافق را بپردازد؛ چرا که اگر وجه التزام برای تحکیم قرارداد باشد و تضمین‌کننده تعهدات قراردادی، پس تا آنجایی که امکان انجام تعهد اصلی وجود دارد متعهد باید با درخواست متعهدله به انجام آن الزام گردد. از طرف دیگر وجه التزام به منزله‌ی یک تعهد فرعی و تبعی ضمن عقد است. از این جهت تعیین مبلغ مقطوع آن به نیروی الزام‌آور عقد صدمه نمی‌زند. همان‌طور که در رأی شعبه ۲۷ دادگاه حقوقی یک تهران با استناد به ماده ۲۱۹ ق.م. مقرر شده است، به موجب مفاد این ماده کلیه‌ی عقود میان متعاملین لازم‌الاتباع است؛ مگر در مواردی که به حکم قانون فسخ و یا با توافق طرفین اقاله شود. بنابراین کلیه‌ی تعهدات پذیرفته شده به موجب قرارداد لازم است. لذا همچنانکه طلبکار (مشروط له) نمی‌تواند بدهکار را در صورتی که آماده اجرای اصل تعهدات است ملزم به پرداخت وجه التزام نماید بدهکار (مشروط علیه) نیز نمی‌تواند جهت فرار از انجام تعهد طلبکار را مجبور به مطالبه‌ی وجه التزام نماید. (کاتوزیان، ۱۳۸۶، ص ۶۳) بنابراین پذیرش فرض وجود خیار برای متعهد مغایر با قاعده‌ی لزوم و خصوصیت تضمینی «شرط وجه التزام» می‌باشد. اما هنوز باید این پرسش را جدی



گرفت که آیا اگر متعهد از اجرای تعهد امتناع کرده و موجب نقض قرارداد شود متعهدله که اختیار انتخاب یکی از دو مورد، اجرای تعهد و یا مطالبه وجه التزام را دارد آیا همچنان بعد از انتخاب یکی از دو مورد حق عدول از انتخاب اولیه را خواهد داشت؟ به طور مثال اگر در نتیجهی تخلف متعهدله وجه التزام را مطالبه کند بعداً خواهد توانست از انتخاب خود برگشته و درخواست اجرای اصل تعهد را بکند؟

در پاسخ به پرسش فوق می توان اینطور گفت که فرض مزبور در مورد خسارت ناشی از تأخیر در اجرای تعهد غیر قابل طرح و اصولاً منتفی است. چرا که در این مورد خاص تمام حقوقدانان به اتفاق معتقدند که متعهدله هر دو اجرای تعهد و، وجه التزام را می تواند مطالبه کند اما در مورد خسارات ناشی از عدم انجام تعهد (به معنی خاص آن) باید دو فرض زیر را در نظر گرفت:

فرض اول: هنگامی که متعهد له یکی از دو مورد وجه التزام یا اجرای اصل تعهد را انتخاب کرده و متعهد آن را بجا آورده باشد که در این صورت فرض عدول از انتخاب منتفی است.

فرض دوم: چنانچه متعهد به درخواست متعهدله هنوز عمل نکرده باشد با وجود فقدان نص قانونی به نظر می رسد که عدول از انتخاب اولیه مشکلی را به وجود نیاورد هر چند خلاف این نظر هم قابل استدلال است زیرا تخییر تا قبل از انتخاب است و بعد از انتخاب دیگر متعهدله مخیر نیست. (لطیفان، ۱۳۷۵، ص ۱۱۵)

وجه التزام جریمه‌ی عدم انجام تعهد است، وجه التزام به عنوان جریمه‌ی عدم انجام تعهد دلالت دارد بر اینکه حالت تخدیری برای متعهدی که نقض تعهد می نماید به وجود می آورد و به عبارت دیگر جزا و کیفری است که بر متعهد متخلف تحمیل می شود و لذا وجه التزام به این مفهوم در واقع بیانگر این مطلب است که ترک انجام تعهد جرمی است که مجازات آن را قبلاً طرفین به تراضی معین نموده اند. همان گونه که در مباحث قبل گفته شد صفت کیفری این نهاد حقوقی (وجه التزام) ریشه در حقوق اروپایی داشته و یادگار حقوق رومی است و سابقه‌ی پیدایش این تأسیس، مربوط به تعهدهایی بوده که فاقد ضمانت اجراء بوده اند و یا درج مبلغی به عنوان وجه التزام ضمانت اجرای تعهدات مزبور را فراهم می آوردند و لذا در دوران ابتدائی حقوق رم این شرط دارای ماهیت کیفری بوده بدون اینکه هیچ گونه رابطه‌ای با میزان خسارت داشته باشد. مطلب قابل توجه در این خصوص اینست که اگر ماهیت وجه التزام را ماهیت کیفری و یا جریمه‌ی عدم انجام تعهد بدانیم خسارت وارده به معهدله چگونه جبران می شود؟ آیا همین جریمه، خسارت عدم انجام تعهد است و یا اینکه خسارت جدای از آنست و ممکن است از جریمه کمتر یا بیشتر و یا حتی برابر با آن باشد؟



بنابراین در پاسخ پرسش مطرح شده در ابتدای مبحث باید گفت اگر ماهیت شرط وجه التزام را ماهیت جزایی و یا کیفری بدانیم مبلغ مندرج در شرط با آنچه که به عنوان جبران خسارت پرداخته می‌شود دو مقوله‌ی جدای از هم می‌باشند و لذا متعهدله در صورت نقض قرارداد علاوه بر مطالبه وجه التزام بر اساس توافق قبلی و یا شرط آن در ضمن عقد، از طرف دیگر نیز می‌تواند با رعایت قواعد عمومی مربوط به جبران خسارات قراردادی، خسارات وارده در نتیجه نقض قرارداد را از متعهد مطالبه نماید. نتیجه‌ی دیگری که می‌توان از ماهیت جزائی شرط استخراج کرد اینست که مبلغ مندرج در شرط وجه التزام هیچ تناسبی با میزان خسارات وارده ندارد و لذا نمی‌توان به بهانه متناسب نبودن مبلغ آن با میزان خسارات واقعی وارده وجه التزام را تعدیل کرد. وجه التزام خسارت عدم انجام تعهد است، مطابق با این نظر ماهیت شرط وجه التزام جبران خسارت و یا ضرر و زبانی است که در اثر نقض قرارداد از ناحیه‌ی متعهد، به متعهدله وارد می‌شود با این تفاوت که قبل از ورود خسارت، طرفین میزان آن را قبلاً به تراضی تعیین کرده و در ضمن عقد می‌گنجانند. ماده ۲۳۰ ق.م.ایران تنها ماده‌ای است که در قانون مدنی به‌طور تلویحی به شرط مزبور اشاره می‌کند که در مبحث خسارات حاصله از عدم انجام تعهد آمده و در خصوص ماهیت آن مقرر می‌دارد: «اگر در ضمن معامله شرط شده باشد که در صورت تخلف متخلف مبلغی به عنوان خسارت تادیبه نماید...» از عبارت «به عنوان خسارت» مندرج در ماده فوق چنین برمی‌آید که قانونگذار ماهیت وجه التزام را «خسارت» فرض کرده است. علاوه بر ماده‌ی فوق در سایر قوانین نیز که قانونگذار به شرط وجه التزام اشاره کرده است از جمله مواد ۳۸۶ و ۳۸۷ ق.ت. در خصوص خسارت ناشی از تلف مال التجاره به‌وسیله متصدی حمل و نقل ماهیت وجه التزام را خسارت فرض کرده است. با این وجود، دیدگاه دوگانه قانونگذار ایران در خصوص وجه التزام موجب پیدایش ابهاماتی در اذهان می‌شود که آیا ماهیت وجه التزام واقعاً جبران خسارت است یا جریمه‌ی عدم انجام تعهد؟ چرا که در ماده ۲۳۰ ق.م. از یک طرف وجه التزام را به‌عنوان خسارت معرفی می‌کند اما از طرف دیگر در عبارت آخر ماده تصریح می‌کند که «... حاکم نمی‌تواند او را به بیشتر یا کمتر از آنچه که ملزم شده است محکوم کند». بنابراین فرضی که قانونگذار به‌عنوان خسارت قائل شده با دیدگاه او در سایر موارد که حکم به جبران خسارت می‌دهد متفاوت است زیرا در مطالبه خسارت مدعی لازم است ثابت نماید در اثر تقصیر متعهد خسارت به او وارد شده و ضرر مستقیماً ناشی از فعل واردکننده‌ی زیان است (مواد ۷۲۷ و ۷۲۸ آ.د.م و مواد ۱ و ۲ ق.م.م و مواد دیگر). از طرف دیگر هر چند در مسئولیت قراردادی تقصیر متعهد مفروض است؛ تا زمانی که در اثر عدم انجام تعهد خساراتی به متعهدله وارد نشده باشد مطالبه خسارت ممکن نیست در صورتی که مطابق با ماده ۲۳۰ ق.م. حتی اگر خسارتی به متعهدله وارد نشده باشد پرداخت وجه التزام به متعهدله تجویز گردیده است کافیست که



مشروطه وجود قرارداد و عدم انجام تعهد را اثبات نماید بنابراین این سؤال به ذهن خطور می‌کند که وقتی خسارتی وارد نشده چگونه جبران خسارت می‌تواند صحیح باشد؟ آیا وجه التزام را نباید جرمه تخلف تلقی کرد؟ در پاسخ به این پرسش می‌توان اینطور گفت که نگرش دوگانه قانونگذار ایران به ماهیت وجه التزام ناشی از سابقه‌ی پیدایش تأسیس حقوقی مزبور در حقوق ایران است. همان‌طور که پیش از این گفته شد ماده ۲۳۰ ق.م.ایران از ماده ۱۱۵۲ ق.م.فرانسه مصوب ۱۹۰۴ میلادی اقتباس شده که ریشه در حقوق رم داشت. در این قانون ابتدائاً مبلغ مزبور را به عنوان جرمه‌ی تخلف تلقی کرده و حتی مطالبه خسارت علاوه بر وجه مزبور را نیز جایز می‌دانستند. اما رفته رفته انشاء شرط تغییر کرده و وجه التزام به‌عنوان تعهد فرعی در صورت عدم انجام تعهد جانشین تعهد اصلی، و جنبه‌ی مقطوع نمودن خسارت پیدا کرده است. حتی بعدها در نتیجه تحولات رویه قضایی به تأسی از سایر کشورها وجه مزبور توسط دادرسی تعدیل می‌گردد. نویسندگان قانون مدنی که به تحولات بعدی حقوق فرانسه توجه نداشته‌اند از هرگونه تجدیدنظر و بازنگری در ماده مربوطه و اصلاح آن خودداری کرده‌اند. همین شیوه‌ی نگرش قانونگذار موجب گردید که بعضی از حقوقدانان در خصوص ماهیت وجه التزام معتقد باشند که در حقوق ایران تأسیس حقوقی مزبور هر دو چهره‌ی کیفری و جبران خسارت را با هم دارد و به همین جهت ادعای خلاف آن در دادگاه شنیده نمی‌شود، اینان در توجیه نظر خود می‌نویسند «در حقوق ما تراضی دو طرف برای ایجاد الزام کافی است و شرط باطل نیاز به تصریح قانونگذار دارد (ماده ۱۰ ق.م) درست است که در ماده ۲۳۰ تنها وجه التزام به منظور جبران خسارت اشاره شده، ولی این اندازه دلالت صریح بر بطلان وجه التزام کیفری ندارد، به ویژه که تنها در مورد خسارت است که ارزیابی میزان آن موضوع اختلاف قرار می‌گیرد و اشاره به قاطع بودن تراضی ضرورت پیدا می‌کند». (کاتوزیان، ۱۳۷۶، ص ۲۳۳ و ص ۸۰۷ و ص ۸۳۵) بنابراین کسانی که ماهیت وجه التزام را «جبران خسارت و جرمه عدم انجام تعهد، می‌دانند استدلال می‌کنند که تصریح ماده ۲۳۰ ق.م.ایران «به عنوان خسارت» بر مبنای وصف غالب است چرا که طرفین تمام خسارات ناشی از عدم انجام تعهد را حتی در مواردی که قصد تضمین تعهدات قراردادی را دارند در همین قالب بیان می‌کنند و به عبارتی می‌خواهند شکست در معامله را با وجه التزام جبران کنند و لذا به دشواری می‌توان گفت که انگیزه‌ی غرامت خواستن یا تهدید طرف نامشروع هست. برخی دیگر از نویسندگان (لطفیان، ۱۳۷۵، ص ۱۰۲) حقوقی نیز وجه التزام کیفری را در قالب ماده ۱۰ ق.م. توجیه می‌کنند. این دسته از حقوق دانان معتقدند که آنچه طرفین اراده کرده‌اند مورد احترام قانونگذار است؛ و لذا اگر منظور طرفین چنین باشد که به صرف تخلف متعهد مبلغی به‌عنوان وجه التزام پرداخت شود قرارداد مزبور معتبر است حتی اگر خسارتی وارد نشده باشد معهدا وقتی عنوان



خسارت به وجه التزام داده شده و ورود خسارت باید ثابت شود اگرچه در میزان آن توافق شده، بنابراین اگر خسارتی وارد نشده باشد موضوع توافق منتفی است ولی اگر خسارت وارد شده دادگاه وارد رسیدگی جهت تعیین میزان آن نمی‌گردد و به توافق واقع شده بسنده می‌کند، بنابراین رویه‌ی اکثر محاکم این است که خسارت را در صورت عهدشکنی مفروض می‌دانند و با تخلف از قرارداد خسارت هم وارد می‌گردد و این مسأله را با موضوع پرداخت وجه ایداعی به خوانده (ماده ۲۲۵ آ.د.م) می‌سنجند. (همان) با توجه به مطالب فوق آنچه در خصوص ماهیت وجه التزام می‌توان گفت این است که نظر به اینکه ماده‌ی ۲۳۰ ق.م.ت.ن ماده در قانون مدنی است که به وجه التزام اشاره دارد و از آن «به عنوان خسارت» یاد کرده و ماده فوق در مبحث «خسارات حاصله از عدم انجام تعهد» ذکر گردیده است و مواد مربوط دیگر در سایر قوانین نیز دلالت بر این دارد که وجه التزام قرارداد مربوط به خسارت است. می‌توان نتیجه گرفت که ماهیت وجه التزام «جبران خسارت» است اما تأسیسی است با اوصاف مختصّ به خود. از جمله اینکه برای مطالبه آن ورود ضرر لازم نیست بلکه ضرر مفروض است و از طرف دیگر برخلاف سایر سیستم‌های حقوقی دادرسی از تعدیل وجه التزام ممنوع است یعنی همان خصوصیتی دارد که وجه التزام کیفی از آن برخوردار است، بنابراین از صراحتی که در مواد مربوطه وجود دارد و از آن به عنوان خسارت یاد می‌کند نمی‌توان گذشت. از طرف دیگر تمام حقوقدانان که در آثار خود مختصراً به شرط وجه التزام اشاره کرده‌اند شرط مزبور را به عنوان خسارت عدم انجام تعهد در نظر گرفته منتها در تقسیم‌بندی خود آن را از زمره‌ی مواردی دانسته‌اند که میزان خسارت را طرفین قبلاً به تراضی تعیین کرده‌اند. (امامی، ۱۳۶۶، ص ۲۴۷) و (قائم مقامی، ۱۳۶۳، ص ۱۴۳) و (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۸، ص ۳۱۲) بنابراین در خصوص ماهیت وجه التزام در حقوق ایران در رویه‌ی قضایی نیز می‌توان به آرائی استناد کرد که دلالت دارد بر آنکه ماهیت وجه التزام «جبران خسارت» است که از جمله آن‌ها می‌توان به آراء زیر اشاره کرد:

الف: شعبه‌ی ششم دیوان عالی کشور در رأی شماره‌ی ۲۹۰۷ مورخ ۲۵/۹/۲۱، استدلال نموده است که «نظر به اینکه در ضمن تعهد، خسارت متصوره از عدم انجام تعهد پیش‌بینی و معین گردیده است لذا دیگر حقی برای متعهدله جزء وجه التزام مقرر نخواهد بود. (کاتوزیان، ۱۳۸۶، ص ۶۲)

ب: در حکم شماره ۱۴۵۰ مورخ ۱۳۲۹/۹/۳ شعبه‌ی چهار دیوان عالی کشور مقرر گردید، «... چون وجه التزام خود نوعی خسارت است بنابراین مطالبه خسارت نسبت به تأخیر وجه التزام طبق ماده ۷۱۳ ق.آ.د.م صحیح نخواهد بود. (صفایی، ۱۴۰۲، ص ۲۴۷)



بنابراین ماهیت وجه التزام، ماهیت خسارت است، خسارتی که به توافق طرفین قبلاً معین شده است و به همین جهت جمع بین اخذ خسارت و انجام تعهد جزء در مورد خسارت برای تأخیر انجام تعهد، ممنوع و از اغلاط مشهور است. (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۴، ۷۴۹)



نتیجه گیری

در بحث از ماهیت وجه التزام در پی بررسی این موضوع هستیم که آیا وجه التزام مندرج در قرارداد یک نوع از جبران خسارت است یا نه این امر یک شرطی است که در واقع به عنوان کیفر تخلف از تعهدات توسط طرفین مقرر می‌شود و ارتباطی به خسارت ندارد و یا متشکل از ماهیتی است که هم می‌توان به آن جبران خسارت گفت و هم یک شرط کیفری و ضمانت اجرایی برای تعهد و یا اینکه ماهیت آن ربا و در نتیجه قرارداد آن در بدهی‌های پولی نامشروع است؟

وجه التزام برای تأخیر انجام تعهد است و غالباً در اراده و قصد دو طرف شرط، صحبت اینکه جایگزین اصل تعهد بشود نیست یعنی متعهد علاوه بر اینکه اصل بدهی را باید بپردازد وجه التزام را نیز در صورت تأخیر آیا علاوه بر وجه التزام خسارت دیگری نیز می‌توان مطالبه کرد که ناشی از تأخیر باشد؟ در خصوص موضوع و یافتن پاسخ‌های مناسب برای سؤالات مطرح در این حوزه لازم است که ماهیت وجه التزام در بدهی‌های پولی روشن شود برای این منظور بررسی نظرات مختلف در این زمینه ضروری است تا از بین آن‌ها بتوان نظری که مناسب و همخوان با داده‌های فقهی، حقوقی و اقتصادی است انتخاب و مورد تأکید قرار گیرد.

در مورد ماهیت وجه التزام در بدهی‌های پولی ملاحظه نشد که نظر صریحی داده شده باشد با وجود این از برخورد علمای فقه و حقوق با مسائل مربوط به وجه التزام در بدهی‌های پولی می‌توان نظرات را در چند عنوان دسته‌بندی کرد و یا به نظراتی چند در این خصوص دست یافت از جمله این دیدگاه‌ها در خصوص موضوع بحث این است که ماهیت آن شرط اضافه در ضمن عقد قرض است و بر این مبنا ربا و در نتیجه نامشروع است.^۱

مطالبی که در این مطالعه در ارتباط با خسارت تأخیر تأدیه عنوان می‌شود ارتباط مستقیمی با موضوع وجه التزام در بدهی‌های پولی خواهد داشت و این اساس مسئله‌ی ما را تشکیل می‌دهد البته نفس وجه التزام اقتضایی دارد و پیش‌بینی آن از جهات مختلف فی‌نفسه امر مفیدی است و موجب استواری و پایبندی بیشتر افراد به قراردادها را موجب می‌شود و نقش اثباتی وجه التزام نیز بسیار حائز اهمیت است که متعهدله را از اثبات ورود خسارت بی‌نیاز و صرف تخلف از تعهد که

^۱ به‌طور صریح مشاهده نشد که کسی ماهیت وجه التزام در بدهی‌های پولی را «شرط اضافه در ضمن عقد قرض» بداند ولی از فتاوی مختلفی که در این زمینه داده شده است و آن را مصداق ربا قلمداد نموده‌اند می‌توان نین نتیجه‌ای را گرفت.



منتسب به متعهد باشد برای مطالبه‌ی آن کافی خواهد بود و این امر در مورد دیون پولی می‌تواند به‌طور ویژه برقرار باشد.^۱

بنابراین وجه التزام مقرر توسط طرفین قرارداد در واقع ایجاد یک نوع ضمانت اجرایی است که برای رعایت آثار قرارداد پیش‌بینی می‌شود و از آنجایی که پیش‌بینی وجه التزام خود یک تعهد تبعی حساب می‌شود که در صورت عدم رعایت آثار آن، مستلزم اجبار متعهد آن، به درخواست متعهدله توسط محکمه است و یکی از بحث‌هایی که ما به آن خواهیم پرداخت این خواهد بود که آیا وجه التزامی که طرفین یک تعهد (که موضوع این تعهد پول است) و برای تضمین پرداخت این پول پیش‌بینی کرده‌اند در صورت عدم تأدیه دین پولی، با درخواست متعهدله محکمه متعهد را به میزان وجه التزام مقرر محکوم خواهد کرد یا اینکه با شبهه ربا مواجه خواهد شد؟ که اقتضای قوانین موجود در این زمینه نیز بررسی خواهد شد.

یکی دیگر از مباحثی که در مسئولیت قراردادی مورد بحث قرار می‌گیرد است که اگر نقض قرارداد توسط متعهد آن صورت گرفته باشد طوری که جلوگیری از نقض آن از توان او خارج نبوده باشد متعهد مسئول جبران خسارت است (ماده ۲۲۷ ق.م) با توجه به این مطلب، اگر متعهد دین پولی نتواند آن را پرداخت نماید آیا می‌توان گفت که وجه التزام مقرر قابل مطالبه است؟ تا در این حالت نیز بتون او را به پرداخت آن محکوم نمود؟ اگر نمی‌توان چنین کرد چرا دین پولی از این جهت از سایر دیون متفاوت باشد و یا اینکه در این مورد نیز باید قائل بر این شد که متعهد در این مورد نیز برای پرداخت خسارت تأخیر انجام تعهد (عدم پرداخت دین پولی در سررسید) مسئولیت دارد. علاوه بر اینکه جانشین^۲ خسارت تأخیر ادای دین می‌شود خود ضمانت اجرایی برای اجبار مدیون به پرداخت دین نیز می‌شود.

^۱ ماده ۷۲۵ ق.آ.د.م. مصوب ۱۳۱۸ چنین مقرر می‌داشت: «خسارت تأخیر تأدیه محتاج به اثبات نیست و صرف تأخیر برای مطالبه و حکم کافی است». این ماده خسارت تأخیر تأدیه‌ای را مورد حکم قرار داده بوده که طرفین نسبت به آن ساکت بودند و لذا بر این مبنا به طریق اولی و با اهمیت بیشتر، زمانی که طرفین در قالب وجه التزام نسبت به آن توافق کرده باشند نیاز به اثبات نخواهد داشت.

^۲ در تعهداتی که موضوع آن پول است، وجه التزام جانشین اصل تعهد نخواهد شد و لذا نمی‌توانیم بگوئیم مشروطه باید وجه التزام را مطالبه بکند یا اجرای تعهد. چون در این مورد آنچه طرفین قصد آن را می‌کنند این است که وجه التزام برای صرف تأخیر باشد و مطالبه آن مانع مطالبه اصل تعهد نباشد و عرف نیز از شرط وجه التزام در مورد دیون پولی غیر از این چیز دیگری نمی‌فهمند.



در نظام حقوقی ایران وجه التزام مبلغی است که طرفین به عنوان میزان خسارت محتمل الوقوع ناشی از عدم اجرای تعهد و یا از تأخیر یا سوء اجراء تعهد، طی توافقی پیش‌بینی کنند. این امر گاه صرفاً جنبه‌ی تهدید متعهد قرارداد را دارد که اگر تعهدش را اجرا نکند باید مبلغی معین بدهد حتی اگر خسارتی نباشد.

مطلق تخلف از تعهد ایجاد حقی برای متعهدله نمی‌کند مگر آن‌که به موجب قرارداد متعهد ملتزم به تأدیبه‌ی وجهی شده باشد. وفاء به شرط وجه التزام نیز مطلقاً واجب است و لذا در صورت نقض تعهد، مبلغ شرط التزام به‌طور مقطوع (فارغ از میزان خسارت ناشی از نقض) مطابق با شرط باید پرداخت شود. در حالی که در نمونه‌ای مانند حقوق مصر وجه التزام پیش‌بینی‌شده را قانونگذار به‌عنوان خسارت نام برده است و حتی اگر خسارتی هم وارده نشده باشد، پرداخت مبلغ وجه التزام به متعهدله تجویز گردیده است. از این جهت برای مدعی کافی است وجود قرارداد و عدم انجام تعهد را اثبات نماید. در این حال باید وجه التزام پرداخته شود. در حقوق ایران، هرگاه در قولنامه تصریح به خسارت تأخیر در اجراء تعهد شده باشد، یا اصل تعهد قابل جمع است. ولی اگر چنین تصریحی نشده باشد، وجه التزام به‌جای تعهد قرار می‌گیرد و قابل جمع با اصل تعهد نیست. اما باید دید اگر بعد از تأخیر یا سوء اجراء تعهد یا عدم اجراء تعهد، اگر خسارتی وارد نشد، پرداخت وجه التزام صحیح است؟ در ماده‌ی ۲۳۰ قانون مدنی ایران نظر قانونگذار این بوده است که وقتی مبلغی به‌عنوان وجه التزام معین می‌شود، هرگاه تعهد اجراء نشود مبلغ مذکور جانشین اصل تعهد می‌گردد.

مسأله‌ی مهم دیگری که وجود دارد امکان تعدیل وجه التزام است. در صورتی که مبلغ مشخص شده با خسارت سنخیت نداشته باشد و به میزان فاحشی کمتر یا بیشتر باشد، آیا امکان تعدیل آن وجود دارد؟ طبق قانون مدنی ایران «حاکم نمی‌تواند او را به بیشتر یا کمتر از آنچه ملزم شده است، محکوم کند». لیکن با تفسیر موسع برخی احکام و تسامح در آنها میتوان قاعده‌ای را در جهت تعدیل مورد نظر استخراج کرد.



منابع

- ۱- اسکینی، ربیعا، (۱۳۷۱)، مباحثی از حقوق تجارت بین‌الملل، چاپ اول، نشر سپهر.
- ۲- اصفهانی، شیخ محمد حسین، (۱۳۷۶)، حاشیه مکاسب، جلد دوم، تهران، سمت، بی تا.
- ۳- امامی، سیدحسن، (۱۳۶۶)، حقوق مدنی، جلد چهارم، چاپ اول، تهران، انتشارات کتاب فروشی اسلامی.
- ۴- جعفری لنگرودی، محمد جعفر، (۱۳۶۳)، ترمینولوژی حقوق، جلد پانزدهم، تهران، انتشارات بنیاد راستا.
- ۵- جعفری لنگرودی، محمد جعفر، (۱۳۷۸)، حقوق تعهدات، چاپ سوم، تهران، انتشارات گنج دانش.
- ۶- جعفری لنگرودی، محمد جعفر، (۱۳۸۴)، ترمینولوژی حقوق، جلد پانزدهم، تهران، انتشارات گنج دانش.
- ۷- جعفری لنگرودی، محمدجعفر، (۱۳۵۸)، دانشنامه حقوق، جلد پنجم، چاپ اول، نشر امیرکبیر.
- ۸- زاهدی، عاطفه، (۱۳۸۹)، قانون مدنی، نشر جاودانه.
- ۹- سماواتی، حشمت‌الله، (۱۳۸۰)، خسارات ناشی از عدم انجام تعهد در حقوق ایران و نظام‌های حقوقی دیگر، چاپ اول، تهران، انتشارات ققنوس.
- ۱۰- صدیقی زاده، کیانوش، (۱۳۵۷)، عدم امکان اجرای قرارداد در حقوق ایران و انگلیس، پایان نامه کارشناسی ارشد دانشکده حقوق تهران.
- ۱۱- صفایی، حسین، (۱۴۰۲)، دوره‌ی مقدماتی حقوق مدنی (قواعد عمومی قراردادها)، چاپ هشتم، تهران، انتشارات میزان.
- ۱۲- صفایی، سید حسین، (۱۳۷۵)، مقالاتی درباره حقوق مدنی و حقوق تطبیقی، انتشارات میزان.
- ۱۳- طباطبایی یزدی، محمد کاظم، (۱۴۱۴ق)، عروه الوثقی، تهران، دارالکتاب الاسلامیه، جلد اول، بی تا.



- ۱۴- قائم مقامی، عبدالمجید، (۱۳۶۳)، حقوق تعهدات، جلد اول، چاپ دانشگاه تهران.
- ۱۵- کاتوزیان، ناصر، (۱۳۷۶)، قواعد عمومی قراردادها، جلد چهارم، چاپ دوم، تهران، شرکت انتشار با همکاری شرکت بهمن برنا.
- ۱۶- کاتوزیان، ناصر، (۱۳۸۶)، اعمال حقوقی، چاپ دوازدهم، تهران، شرکت سهامی انتشار.
- ۱۷- کاتوزیان، ناصر، (۱۳۸۶)، عقود معین (دوره مقدماتی)، جلد اول، چاپ دهم، تهران، انتشارات کتابخانه گنج دانش.
- ۱۸- کاتوزیان، ناصر، (۱۳۸۶)، حقوق مدنی، ضمان قهری و مسئولیت مدنی، تهران، موسسه چاپ و انتشارات دانشگاه تهران.
- ۱۹- کامیار، محمدرضا، (۱۳۷۷)، گزیده آراء دادگاه‌های حقوقی، مجموعه چهارم، چاپ اول، نشر حقوقدان.
- ۲۰- لطفیان، حسین، (۱۳۷۵)، قولنامه، ماهیت حقوق و آثار آن، چاپ سوم، نشر روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران.
- ۲۱- متین دفتری، احمد، (۱۳۹۷)، آیین دادرسی مدنی و بازرگانی، جلد دوم، تهران: انتشارات مجد.
- ۲۲- معین، محمد، (۱۳۷۱)، فرهنگ فارسی، تهران، انتشارات امیر کبیر، جلد اول و دوم، چاپ هشتم.
- ۲۳- منصور، جهانگیر و زارعی، حسین، (۱۴۰۲)، قانون آیین دادرسی مدنی، تهران: نشر میزان.
- ۲۴- میر شفیعیان، سیدمهدی، (۱۳۸۲)، راهنمای معاملات و طرح دعاوی اموال غیر منقول، تهران: انتشارات مجد.
- ۲۵- نجفی، شیخ محمد حسین، (۱۳۹۸)، جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام، بیروت، دارالکتاب الاسلامیه، جلد ۲۳، ۲۶، ۲۷، چاپ ششم، بی تا.

26- Graw, Stephen (2021) An Introduction to the Law of Contract. Thomson Reuters (Professional) Australia Limited.



27- Halson, Roger(2018) Liquidated Damages and Penalty Clauses. Oxford University Press.

28- Hatzis, Aristides N.(2003) Having the cake and eating it too: efficient penalty clauses in Common and Civil contract law, in International Review of Law and Economics 22 (2003) 381–406.

29- Miller, L. (2004). Penalty Clauses In England And France: A Comparative Study. International and Comparative Law Quarterly, 53(01), 79–106.



penalty clause in the Iranian Legal System: Basics and legal aspectsHossein Daneshfar¹ / Soheil Golchin²**Abstract**

This article studies the concept of the penalty clause in the Iranian Legal System. The authors have tried to study the relationship between this concept and discretion through the study of the existing theories about the concept of commitment and legal Provisions and judicial Provisions. For this reason, the penalty clause has been studied as one of the clear rules under the Obligations Law. The authors have tried to examine the fundamental principles, and legal articles cited in the field of the penalty clause and its legal implications in the validity of concepts such as obligation, damage, authority, and being bound over. In this study, an attempt has been made to highlight and study the problems in this concept while taking a critical approach. To do this, the authors have used a collection of library information while studying the literature on the subject. they summarised their suggestions at the end of the paper.

keywords: penalty clause, obligation, damage, contract, option.

¹ Master of Private Law, Islamic Azad University, Kish International Branch, Iran.
(Corresponding Author)

daneshfar_h@yahoo.com

² Doctoral student of Public International Law, Faculty of Law and Political Science,
University of Tehran, Iran.

soheilgolchin@yahoo.com

